

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

ال~م~ص~ (1)

الف، لام، میم، صاد. (1)

كَتَبْتُ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَ ذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (2)

کتابی فرود فرستاده شده به سوی تو پس نباشد در سینه تو تنگی از آن تا بیم دهی به آن، و پند برای ایمان آورنده گان. (2)

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (3)

پیروی کنید آنچه فرود فرستاده شده به شما از جانب پروردگار شما و نکنید پیروی به جز او دوستان را. کم است آنچه پند می پذیرید. (3)

وَ كَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (4)

و چه بسا از شهر هلاک ساختیم ما آن را پس آمد به آن عقوبت ما شبانه یا ایشان در خواب چاشخانه بودند. (4)

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (5)

پس نبود استعانه ایشان هنگامی که آمد عقوبت ما مگر اینکه گفتند: هر آینه ما ستم گاران بودیم. (5)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (6)

پس البته می پرسیم ما آنان را که فرستاده شد (پیغمبر) به ایشان و البته می پرسیم ما پیغمبران را. (6)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ مَّسِيٍّ وَ مَا كُنَّا غَائِبِينَ (7)

پس البته بیان کنیم ما بر ایشان به دانش؛ و نبودیم ما غائبین (غیر حاضر). (7)

وَ الْوِزْنُ يُوَمِّدُ الْحَقَّ؛ فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (8)

و وزن کردن در آن روز حق است. پس کسی که سنگین شد پله وزن (نیکی های) او پس آنها ایشان اند رسته گاران. (8)

وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (9)

و کسی که سبک شد پله وزن (نیکی های) او پس آنها ایشان اند آنان که زیان کردند خویشان را به سبب آنکه بودند به آیت های ما انکار می کردند. (9)

وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (10)

و البته به یقین جای دادیم شما را در زمین و ساختیم ما برای شما در آن وسائل زندگی را.
کم است آنچه سپاس گذاری می کنید. (10)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا ۗ اِلَّاۤ اِبٰلِیْسَ لَمْ یَّكُنْ مِنَ السَّٰجِدِیْنَ (11)

و البته به یقین آفریدیم ما شما را باز صورت دادیم شما را باز گفتیم برای فرشته گان که سجده کنید برای آدم پس سجده کردند مگر ابلیس نبود از سجده کننده گان. (11)

قَالَ مَا مَنَعَكَ اَلَّا تَسْجُدَ اِذْ اَمَرْتُكَ ۗ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِیْنٍ (12)

گفت: چه منع کرد ترا اینکه نکنی سجده وقتیکه امر کردم ترا؟ گفت: من بهترم از او آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از خاک. (12)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا یَكُوْنُ لَكَ اَنْ تَتَّكَبَرَ فِیْهَا فَاخْرُجْ اِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِیْنَ (13)

گفت: پس فرو رو از آن پس نباشد برای تو اینکه سرکشی کنی در آن پس بیرون شو هر آینه تو از خوار شده گانی. (13)

قَالَ اَنْظِرْنِیْ ۗ اِلٰی یَوْمٍ یُّبْعَثُوْنَ (14)

گفت: مهلت ده مرا تا روزی که بر انگیزته می شوند. (14)

قَالَ اِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِیْنَ (15)

گفت: هر آینه تو از مهلت داده شده گانی. (15)

قَالَ فَبِمَاۤ اَغْوٰیْتَنِیْ لَافْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِیْمَ (16)

گفت: پس به سبب آنکه گمراه کردی مرا البته بنشینم برای شان (به) راه تو راست را (مانع آنان شوم). (16)

ثُمَّ لَا یُنَبِّئُهُمْ مِّنْ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنۢ اَیْمَانِهِمْ وَ عَنۢ اَسْمَائِهِمْ ۗ وَ لَا تَجِدُ اَكْثَرَهُمْ شٰكِرِیْنَ (17)

باز البته بیایم به ایشان از میان دستهای ایشان و از پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان؛ و نیایی بسیاری ایشان را سپاس گذاران. (17)

قَالَ اَخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُوْمًا مَّدْحُوْرًا ۗ لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَآمِلًاۙنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْمَعِیْنَ (18)

گفت: بیرون شو از آن حقیر شده و رانده شده؛ البته کسی که پیروی کند ترا از ایشان البته پر می کنم دوزخ را از شما همه یکجا. (18)

وَ یَاۤ اٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَیْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُوْنَا مِنَ الظَّٰلِمِیْنَ (19)

و ای آدم ساکن شو تو و همسرت در بهشت پس بخورید هر دو از هر جا که خواهید و نشوید نزدیک این درخت را پس باشید هر دو از ستم گاران. (19)

فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (20)

پس وسوسه کرد برای ایشان شیطان تا آشکارا گرداند برای شان آنچه پوشیده شده بود از ایشان از شرم گاه های ایشان و گفت: نکرده است منع شما را پروردگار شما از این درخت مگر اینکه شوید دو فرشته یا شوید هر دو از جاوید باشنده گان. (20)

و قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (21)

و سوگند خورد برای ایشان که هر آئینه من برای شما البته از نصیحت کننده گان خیر خواه هستم. (21)

فَدَلَّهُمَا بِعُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (22)

پس لغزاند هر دوی شان را به فریب دادن. پس هنگامی که چشیدند درخت را ظاهر شد برای ایشان شرم گاه های ایشان و شروع کردند به چسپاندن بر ایشان از برگ های بهشت؛ و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان آیا نکرده است منع شما را از این درخت و نگفتم برای شما که هر آئینه شیطان برای شما دشمن آشکار است. (22)

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (23)

هر دو گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر خویشتن و اگر نیامرزی ما را و نکنی مهربانی بر ما البته شویم از زیان رسیده گان. (23)

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ مُلِيٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (24)

گفت: فرو روید بعضی شما برای بعضی دشمن؛ و برای شما در زمین جایگاه و بهره مندی باشد تا وقت معینی. (24)

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ فِيهَا تَمُوتُونَ وَ مِنْهَا تُخْرَجُونَ (25)

گفت: در آن زنده گانی می کنید و در آن می میرید و از آن بیرون آورده می شوید. (25)

يَبْنِي~ أَدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيشًا مُلِيٌّ وَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (26)

ای اولاده آدم یقیناً فرود فرستادیم ما بر شما لباسی که می پوشاند شرم گاه های شما را و جامه های زینت را؛ و لباس پرهیزگاری آن بهتر است. این از نشانه های خدا است تا باشد ایشان پند پذیر شوند. (26)

يَبْنِي~ أَدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (27)

ای اولاده آدم نفریبید شما را شیطان چنان که بیرون آورد پدر و مادر شما را از بهشت بر

می کشید از ایشان لباس های ایشان را تا بنماید ایشان را شرم گاه های ایشان را. هر آئینه او می بیند شما را او و قوم او از آن جا که نمی بینید شما ایشان را. هر آئینه ما ساختیم شیاطین را سرپرستان برای آنانکه نمی آورند ایمان. (27)

وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَ اللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ص ۱
تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (28)

و وقتیکه کردند کار زشت گفتند یافتیم بر این کار پدران خود را و خدا امر کرده است ما را به آن. بگو: هر آئینه خدا نمی کند امر به کار های زشت؛ آیا می گوئید بر خدا آنچه نمی دانید؟ (28)

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ص ۱ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (29)

بگو: امر فرموده پروردگار من به عدالت؛ و راست کنی روی های خود را نزد هر عبادتگاه و بخوانید او را خالص کرده برای او عبادت را. هم چنان که آفریده شما را بر می گردید. (29)

فَرِيقًا هَدَىٰ وَ فَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۚ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ (30)

گروهی را هدایت کرد و گروهی را ثابت شد بر ایشان گمراهی. هر آئینه ایشان گرفتند شیاطین را دوستان به غیر خدا و می پندارند که هر آئینه ایشان هدایت شده گانند. (30)
يَبْنِي ۖ أَدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (31)

ای اولاده آدم بگیرد زینت خود را نزد هر عبادتگاه و بخورید و بنوشید و نگذرد از حد. هر آئینه او ندارد دوست از حد گذرنده گان را. (31)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي ۖ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ ۖ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (32)

بگو: چه کسی حرام کرده است زینت های خدا را آنچه بیرون آورده برای بنده گان خود و پاکیزه ها از روزی را. بگو: آنها برای آنان که ایمان آورده اند است در زنده گانی دنیا خالص شده برای ایشان روز قیامت. این چنین بیان می کنیم نشانه ها را برای گروهی که می دانند. (32)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ النَّبْغِيَ بغيرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ ۖ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (33)

بگو: جز این نیست که حرام کرده است پروردگار من کار های زشت را آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پوشیده و گناه را و تعدی بدون حق و اینکه شریک کنید با خدا آنچه را که فرو

فرستاده است به آن دلیلی و اینکه بگوئید بر خدا آنچه که نمی دانید. (33)
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ مَّسِيٍّ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ (34)

و برای همه گروه ها وقت معینی است؛ پس وقتیکه بیاید وقت معین ایشان نمی کنند تأخیر ساعتی و نه سبقت می کنند. (34)

يَبْنِي - أَدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي ۖ فَمَنِ اتَّقَىٰ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (35)

ای اولاده آدم اگر بیاید شما را پیغمبران از (جنس) شما می خوانند بر شما آیت های مرا؛ پس کسی که پرهیزگاری کند و نیکوکاری کند پس نباشد ترس بر ایشان و نه ایشان غمگین شوند. (35)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (36)

و آنانکه به دروغ نسبت کردند آیت های ما را و سرکشی کردند از آنها، آنها باشند گان دوزخ اند؛ ایشان در آن همیشه مانده گانند. (36)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ - أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِّنَ الْكِتَابِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا - أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلَىٰ - أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (37)

پس کیست ستمگار تر از کسی که بر بست بر خدا دروغی یا به دروغ نسبت کرد آیت های او را آنها می رسد بهره ایشان از کتاب؛ تا وقتیکه بیاید ایشان را فرستاده گان ما قبض روح می کنند ایشان را گفتند: کجا است آنچه بودید شما می خواندید (می پرستیدید) به غیر خدا؛ گفتند: گم شدند از ما و گواه شدند بر خویشان اینکه ایشان بودند نامعتقدان. (37)

قَالَ ادْخُلُوا فِي - أُمَّم قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنسِ فِي النَّارِ ۖ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتٌ أُخْتَهَا حَتَّىٰ - إِذَا آدَارُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبُهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هِيَ - وُلَاةٌ أَضَلُّونَا فَتَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۖ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَ لَكِن لَّا تَعْلَمُونَ (38)

گفتند: داخل شوید در گروه هائی که به یقین گذشت از پیش شما از جن و انس در دوزخ؛ هرگاه داخل شد گروهی لعنت کرد او را خواهرش (گروه همجنس او) تا وقتیکه به یکدیگر برسند در آن همه یکجا گفت گروه آخر ایشان برای گروه پیشین ایشان:، پروردگارا اینها گمراه کردند ما را پس بده ایشان را عذاب دو چند از دوزخ، گفت: برای همه دو چند است و لیکن نمی دانید. (38)

وَ قَالَتْ أَوْلَاهُمْ لِأُخْرَبُهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (39)

و گفت گروه پیشین ایشان برای گروه آخر ایشان: پس نیست برای شما بر ما از برتری پس بچشید عذاب را به سبب آنچه بودید به دست می آوردید. (39)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ

الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (40)

هر آئینه آنانکه به دروغ نسبت کردند آیت های ما را و سرکشی کردند از آنها نمی شود باز برای ایشان دروازه های آسمان و نه داخل می شوند بهشت را تا در آید شتر در سوراخ سوزن. و این چنین جزا می دهیم گنه گاران را. (40)

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (41)

برای ایشان از دوزخ بستر و از بالای ایشان پوششها است. و این چنین جزا می دهیم ستم گاران را. (41)

وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (42)

و آنانکه ایمان آوردند و کردند کار های شائسته نمی دهیم تکلیف هیچ کسی را مگر به قدر توان او، آنها باشند گان بهشت اند؛ ایشان در آن همیشه باشند گان اند. (42)

وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ قَالَوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ نُودُوا أَنْ تُلْكُمْ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (43)

و بیرون آوریم آنچه در سینه های ایشان بود از نفرت، می رود زیر ایشان جویبار ها؛ و گفتند: سپاس برای خدا است آنکه هدایت کرد ما را برای این و نبودیم تا هدایت شویم مگر اینکه هدایت نمود ما را خدا؛ البته به یقین آمد فرستاده گان پروردگار ما به حق؛ و ندا کرده شوند اینکه این بهشت شما را داده شده آید شما آن را به سبب آنچه که بودید می کردید. (43)

وَ نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَأَذَنٌ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (44)

و ندا کنند باشند گان بهشت باشند گان دوزخ را اینکه به یقین یافتیم ما آنچه وعده کرده بود ما را پروردگار ما راست، پس آیا یافتید شما آنچه وعده کرده بود پروردگار شما راست؟؛ گفتند: بلی؛ پس صدا کند صدا کننده در میان ایشان که لعنت خدا بر ستم گاران است. (44)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (45)

اننانکه باز می دارند از راه خدا و می خواهند آن را کج و ایشان به آخرت نامعتقدان اند. (45)

وَ بَيْنَهُمَا حَبَابٌ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (46)

و در میان آنها پرده است. و بر اعراف (بلندی ها) مردانی می شناسند همه را به قیافه ایشان و ندا کنند باشند گان بهشت را اینکه درود بر شما. نشده اند داخل در آن و ایشان

آرزو می کنند. (46)

وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (47)
و وقتی که گردانیده شد چشمان شان به طرف باشندگان دوزخ گفتند: پروردگارا نساز ما را همراه با گروه ستم گاران. (47)

وَ نَادَىٰ- أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تُسْتَكْبِرُونَ (48)

و ندا کردند باشندگان اعراف مردانی را که می شناسند به قیافه های ایشان گفتند: نکرد دفع از شما جمع آوری (دارائی و غیره) شما و آنچه بودید شما سرکشی می کردید. (48)
أ هٰی- وَ لَا إِيَّاكَ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (49)

آیا اینها آنانی اند که سوگند خوردید که نمی رساند ایشان را خدا به رحمت. داخل شوید بهشت را نیست ترس بر شما و نه شما غمگین شوید. (49)

وَ نَادَىٰ- أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ (50)

و ندا کرد باشندگان دوزخ باشندگان بهشت را که بریزید بر ما از آب یا آنچه روزی داده است شما را خدا. گفتند هر آینه خدا حرام ساخته هر دو را بر نا معتقدان. (50)
الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسِفُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (51)

آنانکه گرفتند دین ایشان را سرگرمی و بازی و فریب داد ایشان را زنده گانی دنیا. پس امروز فراموش می کنیم ایشان را همچنان که فراموش کردند ملاقات روز خود را این و آنکه بودند به آیت های ما انکار می کردند. (51)

وَ لَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (52)

و البته به یقین آوردیم ایشان را کتابی، بیان کرده ایم آن را به دانش، هدایت و مهربانی برای گروهی که ایمان می آورند. (52)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (53)

آیا می کشند انتظار مگر سرانجام آن را؟ روزیکه می آید سرانجام آن می گویند آنانکه فراموش کرده بودند آن را از پیش: به یقین آمده بودند پیغمبران پروردگار ما به راستی، پس آیا است برای ما از شفاعت گران تا شفاعت کنند برای ما یا باز گردیم پس عمل کنیم غیر آنچه که بودیم عمل می کردیم؟ به یقین زیان کردند خویشتن را و گم شد از ایشان آنچه که

بودند بر می بافتند. (53)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّهُ لَا لَهُ الْخَلْقَ وَالْأَمْرَ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (54)

هر آئینه پروردگار شما خدا است آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش دوره باز مستقر شد بر عرش می پوشاند شب را به روز؛ می طلبد او را به شتاب و آفتاب را و مهتاب را و ستاره ها را رام شده به فرمان او. بیگمان برای او است آفرینش و فرمان روائی. نهایت بزرگ است خدا پروردگار جهانیان. (54)

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (55)

بخوانید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده. هر آئینه او ندارد دوست از حد گذرنده گان را. (55)

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۗ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (56)

و نکنید فساد در زمین بعد اصلاح آن و بخوانید او را به ترس و به امید. هر آئینه مهربانی خدا نزدیک است به نیکوکاران. (56)

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ ۝ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (57)

و او است آنکه می فرستد باد ها را مژده دهنده پیش از رحمت خود؛ تا وقتی که بردارد ابر های سنگین، روان کنیم آن را به شهری مرده پس فرود فرستادیم به آن آب را پس بیرون آوردیم به آن از هر نوع میوه ها. همچنین بیرون می آوریم مرده گان را تا باشد شما پند پذیر شوید. (57)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ ۝ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا ۗ كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (58)

و شهر پاکیزه بیرون می آید گیاه او به اجازه پروردگار او؛ و آنکه ناپاکیزه است نمی آید بیرون (گیاه او) مگر گیاه ناچیز و بی فایده. این چنین بیان می کنیم نشانه ها را برای گروهی که سپاس گذاری می کنند. (58)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهِ غَيْرُهُ ۗ ۝ إِنِّي ۖ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (59)

البته به یقین فرستادیم ما نوح را به سوی قوم او پس گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر او؛ هر آئینه من می ترسم بر شما عذاب روز بزرگی را. (59)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ ۖ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (60)

گفت اشراف از قوم او هر آئینه ما البته می بینیم ترا در گمراهی آشکار. (60)

قَالَ يٰ قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَّ اَلَيْسَ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ (61)

گفت ای قوم من نیست با من گمراهی و لیکن من پیغمبر هستم از جانب پروردگار جهانیان. (61)

اُبَلِّغُكُمْ رِسٰلَاتِ رَبِّيْ وَاَنْصَحُ لَكُمْ وَاَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ (62)

می رسانم شما را پیغام های پروردگار من و نصیحت می کنم برای شما و می دانم از جانب خدا آنچه نمی دانید شما. (62)

اَوْ عَجِبْتُمْ اَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلٰى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاَنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ (63)

آیا تعجب کردید اینکه آمد به شما پندی از جانب پروردگار شما بر مردی از شما تا بیم دهد شما را و تا پرهیزگاری کنید و تا باشد که مهربانی کرده شوید. (63)

فَكَذَّبُوْهُ فَاَنْجَيْنٰهُ وَاَلَّذِيْنَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَاَعْرَقْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَاۙ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا عٰمِيْنَ (64)

پس به دروغ نسبت کردند او را پس نجات دادیم ما او را و آنانکه همراه او بودند در کشتی و غرق ساختیم ما آنانی را که به دروغ نسبت دادند آیت های ما را. هر آئینه ایشان بودند گروه نا بینایان. (64)

وَ اِلٰى عَادٍ اٰخَاهُمْ هُوْدًاۙ قَالَ يٰ قَوْمِ اعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهِ غَيْرِهٖۙ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ (65)

و به سوی عاد برادر ایشان هود را (فرستادیم). گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر او؛ آیا پس نمی کنید پرهیزگاری؟ (65)

قَالَ الْمَلٰٓئِ الْاٰلِ الْاٰدِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهِۦۙ اِنَّا لَنَرٰكَ فِي سَفَاهَةٍ وَاِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ (66)

گفت اشراف آنانکه کافر شدند از قوم او: هر آئینه ما البته می بینیم ترا در بی خردی و هر آئینه ما البته ما می پنداریم ترا از دروغ گویان. (66)

قَالَ يٰ قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَّ اَلَيْسَ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ (67)

گفت: ای قوم من نیست با من بی خردی و لیکن من پیغمبر هستم از جانب پروردگار جهانیان. (67)

اُبَلِّغُكُمْ رِسٰلَاتِ رَبِّيْ وَاَنَا لَكُمْ نٰصِيْحٌ اٰمِيْنٌ (68)

می رسانم شما را پیغام های پروردگار من و من برای شما نصیحت کننده با امانتم. (68)

اَوْ عَجِبْتُمْ اَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلٰى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاَنْتُمْ تَكْفُرُوْنَۙ اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءًا مِنْۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوْحٍ وَاَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسۜطَةًۙ فَاذْكُرُوْۤاۙ اِلٰهَ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تَتْلِحُوْنَ (69)

آیا تعجب کردید اینکه آمد به شما پندی از جانب پروردگار شما بر مردی از شما تا بیم دهد

شما را. و یاد کنید وقتیکه ساخت شما را جانشینان از بعد قوم نوح و افزود شما را در خلقت گسترش؛ پس یاد کنید نعمت های خدا را تا باشد که شما رسته گار شوید. (69)

قَالُوا أَ جِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ نَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَنَا ص لَفَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ (70)

گفتند: آیا آمده ای به ما تا بپرستیم خدا را یگانه او را و ترک کنیم آنچه را که بود می پرستیدند پدران ما؟!؛ پس بیاور به ما آنچه را وعده می دهی ما را اگر هستی از راست گویان. (70)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رَجْسٌ وَ غَضَبٌ ص لَفَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ (71)

گفت: به تحقیق ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عذاب و خشم؛ آیا ستیزه می کنید با من در نام های که نامیده اید آنها را شما و پدران شما نه فرستاده فرود خدا به آنها از دلیلی. پس انتظار بکشید هر آئینه من همراه شما از انتظار کشیده گانم. (71)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ص لَفَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ (72)

پس نجات دادیم ما او را و آنانکه همراه او بودند به مهربانی از جانب ما و بریدیم آخر آنان را که به دروغ نسبت دادند آیت های ما را؛ و نبودند ایمان آورنده گان. (72)

وَ إِلَى التَّمُودِ أَخَاهُمْ ص لِجَاهِلِيْنَ قَالِ يٰ قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ ص لَفَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ (73)

و به سوی تمود برادر ایشان صالح را (فرستادیم). گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر او؛ به یقین آمد به شما دلیلی روشنی از جانب پروردگار شما؛ این ماده شتر خدا برای شما نشانه؛ پس بگذارید آن را تا بخورد در زمین خدا؛ و نرسانید به او بدی پس بگیرد شما را عذاب درد ناکی. (73)

وَ اذْكُرُوا إِنْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءً مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا ص لِجَاهِلِيْنَ قَالِ يٰ قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْبُدُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (74)

و یاد کنید وقتیکه ساخت شما را جانشینان از بعد قوم عاد و استقرار داد شما را در زمین می گیرید از دشت های آن قصر ها و می تراشید کوه ها را خانه ها؛ پس یاد کنید نعمت های خدا را و نکنید تباه کاری در زمین تباه کارانه. (74)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أ تَعْلَمُونَ أَنَّ ص لِجَاهِلِيْنَ قَالِ يٰ قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْبُدُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (75)

گفت اشراف آنانکه سرکشی کردند از قوم او برای آنانکه ضعیف شمرده می شدند برای کسانی که ایمان آورد از ایشان آیا می دانید اینکه صالح فرستاده شده از جانب پروردگار او؟

گفتند: هر آئینه ما به آنچه فرستاده شده به او ایمان آورنده گانیم. (75)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَمْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (76)

گفت آنانکه سرکشی کردند: هر آئینه ما به آنچه ایمان آوردید به آن نامعتقدانیم. (76)

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَالِحُ ابْنَتَا بِنَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتِ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (77)

پس کشتند ماده شتر را و سرکشی و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند: ای صالح بیاور به ما آنچه وعده می دهی ما را اگر هستی از پیغمبران؟ (77)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ (78)

پس گرفت ایشان را زلزله پس گشتند صبح گاهان در خانه های خویش به زانو افتاده گان.

(78)

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِن لَّا تَحِبُّونَ النَّصِيحِينَ

(79)

پس رو گرداند از ایشان و گفت: ای قوم من البته به یقین رساندم به شما پیغام پروردگار خود را و نصیحت کردم برای شما و لیکن ندارید دوست نصیحت کننده گان را. (79)

و لَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (80)

و لوط را (فرستادیم) وقتیکه گفت برای قومش: آیا می آئید به بی حیائی که نه آمده است پیش از شما به آن هیچ یک از جهانیان؟ (80)

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (81)

هر آئینه شما البته می آئید مردان را شهوانی به غیر زنان. بلکه شما گروه از حد گذرنده گانید. (81)

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ ۖ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ (82)

و نبود جواب قوم او مگر اینکه گفتند: بیرون کنید ایشان را از شهر خود؛ هر آئینه ایشان مردمی اند که پاکیزه گی می کنند. (82)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ ۖ إِلَّا امْرَأَتَهُ ۚ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (83)

پس نجات دادیم ما او را و خانواده او را مگر زن او که بود از باقی مانده گان. (83)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (84)

و بارانیدیم بر ایشان بارانی؛ پس ببین چگونه بود سرانجام گنهکاران. (84)

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۖ قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ وَصَلَّىٰ قَدْ جَاءَكُم بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ ۖ فَاتَّقُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ ۖ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (85)

و ای مدین اخاهم شعیباً قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره وصلی قد جاءکم بیئنه من ربکم فصلی فاقفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ذالکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین (85)

و به سوی مدین برادر شان شعیب را (فرستادیم). گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر او؛ به یقین آمد به شما دلیلی روشنی از جانب پروردگار شما؛ پس تمام کنید پیمانانه را و ترازو را و نکنید کم مردم را چیز های ایشان را و نکنید فساد و تباهی در زمین بعد اصلاح آن. این ها بهتر اند برای شما اگر هستی شما ایمان آورنده گان؟ (85)

و لَا تَفْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِ وَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ اذْكُرُوا - اذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ - وَ اَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (86)

و ننشینید به هر راه می ترسانید و باز می دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است به او و می خواهید به آن کجی. و یاد کنید وقتی که بودید شما اندک پس بسیار گردانید شما را؛ و ببینید چگونه بود سرانجام تباه کاران. (86)

وَ اِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي - اُرْسِلْتُ بِهِ - وَ طَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (87)

و اگر است گروهی از شما ایمان آورده به آنچه فرستاده شده ام به آن و گروهی که نمی آورد ایمان پس صبر کنید تا آنکه داوری کند خدا در میان ما. و او بهترین داوری کننده گان است. (87)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَشْعِيبُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (88)

گفت اشرافیان آنانکه سرکشی کردند از قوم او: البته بیرون کنیم ترا ای شعیب و آنانکه ایمان آورده اند همراه تو از شهر خود یا البته برگردید در دین ما. گفت: آیا اگر چه باشیم نا خواهان؟ (88)

قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا اِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ اِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَ مَا يَكُونُ لَنَا اَنْ نَعُودَ فِيهَا اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ اَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (89)

به یقین بر بسته باشیم بر خدا دروغی اگر برگردیم در دین شما بعد وقتی که نجات داد ما را خدا از آن. و نیست ما را اینکه برگردیم در آن مگر اینکه بخواهد خدا پروردگار ما. در بر گرفته است پروردگار ما همه چیز را به دانش. بر خدا اعتماد کردیم ما. پروردگار ما فیصله کن در میان ما و در میان قوم ما به حق و تویی بهترین فیصله کننده گان. (89)

وَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا اِنَّكُمْ اِذَا لَخَسِرُونَ (90)

و گفت اشرافیان آنانکه نامعتقد شدند از قوم او: البته اگر پیروی کنید شعیب را هر آینه شما آن وقت البته باشید از زیان رسیده گان. (90)

فَاَخَذْنَهُمُ الرَّجْفَةَ فَاصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَنِيْمِينَ (91)

پس گرفت ایشان را زلزله پس گشتند صبح گاهان در خانه های خویش به زانو افتاده گان.
(91)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعْبًا كَأَن لَّمْ يُغْنَوْا فِيهَا، الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (92)
آنانکه به دروغ نسبت کردند شعیب را مانند آنکه به سر نبرده بودند در آن. آنانکه به دروغ
نسبت کردند شعیب را بودند ایشان زیان کاران. (92)
فَقَوْلَىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ مَنِ فَكَيْفَ أَسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ
(93)

پس رو گردانید از ایشان و گفت: ای قوم من البته به یقین رساندم به شما پیغام های
پروردگار خود را و نصیحت کردم برای شما؛ پس چگونه غمگین شوم بر قوم نا معتقدان.
(93)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ (94)
و نفرستادیم ما در شهری از پیغمبری مگر گرفتیم ما باشندگان آن را به سختی ها و رنج
ها تا بود که ایشان زاری کنند. (94)
ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَ
هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (95)

باز تبدیل کردیم به جای محنت راحت را تا آنکه بسیار شدند (در تعداد و دارائی) و گفتند به
یقین رسیده بود پدران ما را رنج ها و راحتی ها پس گرفتیم ما ایشان را نا گهان و ایشان
نمی فهمیدند. (95)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا
فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (96)

و اگر اینکه باشندگان شهر ها ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند البته باز می کردیم
بر ایشان برکت ها از آسمان و زمین ولیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به
آنچه بودند به دست می آوردند. (96)

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَ هُمْ نَائِمُونَ (97)
آیا پس ایمن شدند باشندگان شهر ها اینکه بیاید ایشان را عذاب ما شبانگاه و ایشان خواب
باشند؟ (97)

أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحَىٰ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ (98)
آیا ایمن شدند باشندگان شهر ها اینکه بیاید ایشان را عذاب ما چاشتگاه و ایشان به بازی
باشند؟ (98)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (99)

آیا پس ایمن شدند از مجازات ناگهانی خدا؟ پس نمی شود ایمن مجازات ناگهانی خدا را مگر گروه زیان کاران. (99)

أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ، وَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (100)

آیا نشده روشن برای کسانی که وارث می شوند زمین را از بعد باشنده گان آن اینکه اگر خواهیم برسانیم ایشان را به گناهان ایشان. و مهر نهیم بر قلب های شان پس ایشان نمی شنوند. (100)

تِلْكَ الْفَرَىٰ نَقِصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ، كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (101)

این شهر ها ذکر می کنیم بر تو از بعضی خبر های ایشان و البته به یقین آمد به ایشان پیغمبران ایشان با دلایل روشن پس نبودند تا ایمان آورند به آنچه به دروغ نسبت کردند از پیش. این چنین مهر می نهد خدا بر قلب های نا معتقدان. (101)

وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ صٰ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (102)

و نیافتیم در بسیاری از ایشان از (وفا به) عهد؛ و بلکه یافتیم بسیاری از ایشان را البته سرکشان قصدی. (102)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِهِ فظَلَمُوا بِهَا صٰ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (103)

باز مبعوث کردیم ما از بعد ایشان موسی را با نشانه های خود به سوی فرعون و اشرافیان او پس ستم کردند به آن ها؛ پس ببین چگونه بود سرانجام تباه کاران. (103)

وَ قَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (104)

و گفت موسی: ای فرعون هر آینه من پیغمبرم از جانب پروردگار جهانیان. (104)

حَقِيقٌ عَلَىٰ ۚ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ، قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (105)

سزاوارم بر آنکه نگویم بر خدا مگر سخن حق را. به یقین آمده ام به شما با نشانه ئی روشنی از جانب پروردگار شما پس بفرست همراه من بنی اسرائیل را. (105)

قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (106)

گفت: اگر هستی تو آورده ای نشانه ئی پس بیاور آن را اگر هستی تو از راست گویان؟ (106)

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (107)

پس انداخت چوب دست خود را پس آن گاه آن چوب دست بود اژدهای آشکار. (107)

و نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ (108)

و بیرون آورد دست خود پس آن گاه دست او بود سفید برای بیننده گان. (108)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ (109)

گفت اشرافیان از قوم فرعون: هر آینه این (شخص) البته جادوگر دانا است. (109)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ ^{صلى} فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (110)

می خواهد اینکه بیرون کند شما را از زمین شما؛ پس چه امر می کنید؟ (110)

قَالُوا أَرْجَاهُ وَ أَخَاهُ وَ أَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (111)

گفتند: به تعویق انداز او و برادرش را و بفرست در شهر ها جمع کننده گان را. (111)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ (112)

بیاورند ترا همه جادوگران دانا را. (112)

وَ جَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (113)

و آمد ساحران فرعون را گفتند: هر آینه برای ما البته مزدی باشد اگر باشیم ما غالب ها؟

(113)

قَالَ نَعَمْ وَ إِنكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (114)

گفت: بلی و هر آینه شما از نزدیکان باشید. (114)

قَالُوا يَمُوسَىٰ- إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (115)

گفتند: ای موسی یا اینکه تو می افگنی و یا اینکه باشیم ما افکنده گان؟ (115)

قَالَ أَلْقُوا ^{صلى} فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا^و أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ (116)

گفت: بیفکنید؛ پس آنگاه که افگندند جادو کردند چشم های مردم را و به حیرت و هراس

انداختند ایشان را و آمدند با جادوی بزرگ. (116)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ- أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ^{صلى} فَإِذَا هِيَ ثَلَاثُ نَعَمٍ وَ آخِذْ بِذُنُوبِكُمْ إِنَّمَا تَصَوُّغُنَا لِعَبَادَةِ رَبِّكَ (117)

و وحی فرستادیم ما به سوی موسی اینکه بیفگن چوب دست خود را؛ پس آنگاه آن می بلعید

آنچه به دروغ می ساختند. (117)

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (118)

پس ثابت شد حق و بیهوده شد آنچه که بودند می کردند. (118)

فَعُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَدْعِينَ (119)

پس مغلوب شدند آنجا و برگشتند خواران و رسوایان. (119)

وَ أَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدِينَ (120)

و افتادند جادوگران سجده کننده گان. (120)

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (121)

گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان. (121)

رَبِّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (122)

پروردگار موسی و هارون. (122)

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۚ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (123)

گفت فرعون ایمان آوردید به او پیش اینکه اجازه دهم برای شما؛ هر آینه این البته توطئه است که اندیشیده اید آن را در شهر تا بیرون کنید از آن ساکنین آن را؛ پس به زودی خواهید دانست. (123)

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ثُمَّ لأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (124)

البته بپریم دست های شما را و پا های شما را از جوانب مختلف باز البته بر دار بکشم شما را همه یکجا. (124)

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (125)

گفتند: هر آینه ما به سوی پروردگار ما بر گشته گانیم. (125)

وَمَا نَنْفَعُ مَنَا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا ۚ رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَقْنَا مُسْلِمِينَ (126)

و نمی گیری انتقام از ما مگر اینکه ایمان آوردیم به نشانه های پروردگار ما و قتیکه آمد ما را. پروردگار ما بریزان بر ما شکیبایی و بمیران ما را مسلمانان. (126)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْذَرُ مُوسَىٰ أَوْ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذَرَكَ وَ آلِهَتَكَ ۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (127)

و گفتند اشرافیان از قوم فرعون: آیا می گذاری موسی و قوم او را تا تباه کاری کنند در زمین و بگذارد ترا و معبودان ترا؟ گفت میکشیم پسران ایشان را و زنده می گذاریم زنان ایشان را و هر آینه ما بالای ایشان مسلطانیم. (127)

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا ۚ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (128)

گفت موسی برای قوم خود: مدد جوئید با خدا و شکیبایی کنید؛ هر آینه زمین برای خدا است، وارث می کند آن را کسی را که می خواهد از بنده گان خود؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است. (128)

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (129)

گفتند: اذیت شدید ما از پیش اینکه بیائی ما را و از بعد آنکه آمدی به ما. گفت: شاید پروردگار شما اینکه هلاک کند دشمن شما را و جانشین سازد شما را در زمین پس بنگرد چگونه عمل می کنید. (129)

وَ لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (130)
و البته به یقین گرفتیم ما مردم فرعون را به قحطی و زیان از میوه ها تا باشد ایشان پند پذیر شوند. (130)

فَإِذَا جَاءَهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ صلى وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ أَوْ مَن مَّعَهُ وقلى أَلَا إِنَّمَا طَأَّرُوهُمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (131)

پس وقتی که آمد به ایشان چیز خوب گفتند: برای ما است این؛ و اگر می رسید ایشان را چیز بد شگون بد می گرفتند به موسی و کسانی که با او بودند. بیگمان جز این نیست که شگون بد ایشان از جانب خدا است ولیکن بسیاری ایشان نمی دانند. (131)

وَ قَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (132)
و گفتند: هر چه بیاوری ما را به آن از نشانه ئی تا جادو کنی ما را به آن پس نیستیم ما برای تو باور دارنده گان. (132)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجَرَادَ وَ الْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (133)

پس فرستادیم ما بر ایشان سیل و ملخ را و شبش را و بقه را و خون را نشانه های روشن پس سرکشی کردند و بودند گروه گناه گاران. (133)

وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ صلى لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (134)

و هنگامیکه واقع شد بر ایشان عذاب گفتند: ای موسی دعا کن برای ما پروردگار خود را به آنچه عهد بسته نزد تو؛ البته اگر برداری از ما عذاب را البته ایمان بیاوریم به تو و البته بفرستیم همراه تو بنی اسرائیل را. (134)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إلى أَجَلَ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ (135)

پس هنگامیکه برداشتیم ما از ایشان عذاب را تا مدتی ایشان می رسیدند به آن، آن وقت ایشان عهد می شکستاندند. (135)

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمُ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بَاتَهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (136)

پس انتقام گرفتیم ما از ایشان پس غرق کردیم ایشان را در بحر برای اینکه آنان به دروغ نسبت کردند به آیت های ما و بودند از آن ها بی پروایان. (136)

وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَ مَغْرِبَهَا الَّتِي بَدَرْنَا فِيهَا صلى وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا صلى وَ دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ

مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (137)

و وارث ساختیم ما گروهی را که آنان بودند ضعیف ساخته می شدند در مشرق های سر زمین و مغرب های آن آنکه برکت کردیم ما در آن؛ و تمام شد سخن پروردگار تو به نیکی بر بنی اسرائیل به سبب آنکه شکیبائی کردند؛ و برباد کردیم ما آنچه بود می ساخت فرعون و مردم او و آنچه بودند بر می افراشتند. (137)

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا
يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (138)

و عبور دادیم ما به بنی اسرائیل را بحر را پس آمدند بر گروهی که عبادت می کردند بر بتها برای ایشان. گفتند: ای موسی بساز برای ما معبودی مانند آنکه برای ایشان است معبود ها. گفت: هر آینه شما گروهی هستید که جهالت می کنید. (138)

إِنَّ هِيَ إِلَّا هِيَ مُتَّبَرُّ مَّا هُمْ فِيهِ وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (139)

هر آینه اینها نابود شد آنچه ایشان اند در آن و بیهوده است آنچه بودند ایشان می کنند. (139)

قَالَ أَيْ غَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (140)

گفت: آیا به جز خدا بجویم برای شما معبودی و او برتری داده است شما را بر جهانیان؟ (140)

وَ إِذْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سُوًى الْعَذَابِ صِ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (141)

و وقتی که رهانیدیم ما شما را از مردم فرعون می رساندند به شما بدترین عذاب؛ می کشتند پسران شما را و زنده نگاه می داشتند زنان شما را. و در این ها برای شما آزمایشی بود از جانب پروردگار شما بزرگ. (141)

وَ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَلْتَأْتِينِ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَا بِهَا بَعْشَرَ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (142)

و وعده گذاشتیم ما موسی را سی شب و کامل ساختیم آنها را به ده پس تمام شد مدت تعیین شده پروردگار او چهل شب. و گفت موسی برای برادر خود هارون: جانشین شو مرا در قوم من و اصلاح کن و نکن پیروی راه تباه کاران را. (142)

وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَفَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (143)

و هنگامی که آمد موسی برای مدت تعیین شده ما و سخن گفت با او پروردگار او گفت: پروردگار من بنما به من بنگرم به سوی تو. گفت: نمی بینی مرا ولیکن بنگر به سوی کوه

پس اگر استوار ماند به جای خود پس به زودی ببینی مرا. پس هنگامیکه جلوه نمود پروردگار او بر کوه ساخت آن را درهم پاشیده و فرو افتاد موسی بیهوش. پس هنگامیکه به هوش آمد گفت: منزه ئی تو بر گردیدم به سوی تو به توبه و من از نخستین ایمان آورنده گانم. (143)

قَالَ يَمُوسَىٰ - إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بَكَلامِي فَخُذْ مَا آتَيْنُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (144)

گفت: ای موسی هر آینه من برگزیدم ترا بر مردمان به پیغام های خود و با سخن گفتن خود پس بگیر آنچه دادم ترا و باش از سپاس گذاران. (144)

وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (145)

و نوشتیم ما برای او در لوحه ها از هر چیز وصیت و روشنگر برای همه چیز پس بگیر آن ها را به قوت و بفرما قوم خود را تا بگیرند آن را به بهترین آن ها. به زودی نشان خواهیم داد شما را سرزمین نافرمان برداران قصدی را. (145)

سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ إِنْ يَرَوْا كَلِمَةَ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوهَا وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (146)

به زودی باز خواهم داشت از آیت های خود آنانی را که تکبر می ورزند در زمین به غیر حق و اگر ببینند هر نشانه نمی آورند ایمان به آن و اگر ببینند راه هدایت را نمی گیرند آن را راه و اگر ببینند راه گمراهی را می گیرند آن را راه. این به سبب آن است که ایشان به دروغ نسبت کردند آیت های ما را و بودند از آن ها بی پروایان. (146)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (147)

و آنانکه به دروغ نسبت کردند آیت های ما را و ملاقات آخرت را ناپود شد کار های ایشان. آیا جزا داده می شوند مگر آنچه بودند می کردند؟ (147)

وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَ لَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ (148)

و گرفت قوم موسی از بعد او از زیورات ایشان گوساله پیکری برای او آواز گاوی بود. آیا ندیدند اینکه او نمی گفت سخن با ایشان و نمی کرد هدایت ایشان را به راهی؟ گرفتند او را (معبود) و بودند ستم گاران. (148)

وَ لَمَّا سَقَطَ فِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ يَعْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (149)

و هنگامیکه افتاد در دست های شان (نادم شدند، سقط فی ایدیهم - جمله عربی) و دیدند اینکه

ایشان به یقین گمراه شده اند گفتند: البته اگر نکند مهربانی بر ما پروردگار ما و نیامرزد ما را البته باشیم از زیان رسیده گان. (149)

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۚ إِنَّ أَعْيُنَكُمْ عَلَىٰ الْآلُوحِ ۚ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (150)

و هنگامیکه برگشت موسی به سوی قوم خود خشمناک شده غمگین شده گفت: بد است آنچه جانشینی کردید مرا از پس من؛ آیا شتاب کردید فرمان پروردگار خویش را؟ و انداخت لوحه ها را و گرفت به سر برادر خود می کشیدش به سوی خود. گفت: ای پسر مادر من هرآئینه این قوم ضعیف ساختند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا پس شاد مکن به من دشمنان را و نشمار مرا همراه قوم ستم گاران. (150)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (151)

گفت پروردگار من بیامرز مرا و برای برادرم و در آور ما را در مهربانی خود؛ و تویی بهترین مهربانی کننده گان. (151)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ ذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (152)

هرآئینه آنانکه گرفتند گوساله را (معبود) به زودی خواهیم رسانید ایشان را خشمی از پروردگار ایشان و خواری در زنده گانی دنیا. و این چنین جزا می دهیم بربافته گان را. (152)

وَ الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَ ءَامَنُوا ۗ إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (153)

و آنانکه کردند بدی ها باز توبه کردند از پس آن ها و ایمان آوردند هرآئینه پروردگار تو از پس آن البته نهایت آمرزنده، نهایت با رحم است. (153)

وَ لَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ الْعُصْبُ أَخَذَ الْأَلُوحَ ۖ وَ فِي نُسخَتِهَا هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (154)

و هنگامیکه خاموش شد از موسی خشم گرفت لوحه ها را؛ و در متن آن ها بود هدایت و مهربانی برای آنانکه ایشان برای پروردگار ایشان هراس دارند. (154)

وَ اخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلِ وَ إِيَّي ۖ أَ تُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَن تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَ لِيْنَا فَاعْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا ۖ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (155)

و انتخاب کرد موسی از قوم خود هفتاد مرد را برای مدت تعیین شده ما؛ پس وقتیکه گرفت ایشان را زلزله گفت: پروردگارا اگر می خواستی هلاک می کردی ایشان از پیش و مرا؛ آیا هلاک می کنی ما را به سبب آنچه کرد بی خردان از ما؟ نیست این مگر امتحان تو، گمراه

می کنی به آن کسی را که می خواهی و راه می نمائی کسی را که می خواهی؛ توئی کار ساز ما پس بیامرز برای ما و مهربانی کن بر ما؛ و توئی بهترین آمرزنده گان. (155)

وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي ~ اُصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءُ مِنْ رَحْمَتِي وَ سِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ فَسَاكُنُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (156)

و بنویس برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت، هر آئینه ما رجوع کردیم به سوی تو. گفت: عذاب من می رسانم به آن هر که را خواهم؛ و مهربانی من احاطه کرده است همه چیز را. پس خواهم نوشت آن را برای آنانکه پرهیزگاری می کنند و می دهند زکات را و آنانکه به آیت های ما ایمان می آورند. (156)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ ~ نِتَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَ عَزَرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي ~ أَنْزَلَ مَعَهُ ~ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (157)

آنانکه پیروی می کنند پیغمبر نبی، ناخوان را آنکه می یابند او را نوشته شده نزد شان در تورات و انجیل می فرماید ایشان را به کار پسندیده و می کند منع از کار نا پسندیده و می سازد حلال برای ایشان پاکیزه ها را و می سازد حرام برای ایشان ناپاکیزه ها را و می سازد سبک از ایشان بار ایشان را و بند ها و زنجیر ها را آنکه بود بر ایشان. پس آنانکه ایمان آوردند به او و تعظیم کردند او را و کومک کردند او را و پیروی کردند نوری را آنکه فرو فرستاده شده همراه او، آنها ایشان اند رسته گاران. (157)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ~ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ ~ فَاْمُنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (158)

بگو: ای مردم هر آئینه من پیغمبر خدا هستم به سوی شما همه یکجا آنکه برای او است پادشاهی آسمان ها و زمین؛ نیست هیچ معبودی مگر او می سازد زنده و می میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و پیغمبر او پیغمبر نبی ناخوان آنکه ایمان می آورد به خدا و سخنان او و پیروی کنید او را تا بود راه یاب شوید. (158)

وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى ~ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ (159)

و از قوم موسی گروهی رهنمائی می نمایند به حق و با آن می کنند عدالت. (159)

وَ قَطَّعْنَاهُمْ اَنْتَنِي عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَّمًا وَ اَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَى ~ اِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ ~ اَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ~ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ~ قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ ~ وَ ظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى ~ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ~ وَ مَا ظَلَمْنَا وَ لَكِنْ كَانُوا ~ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (160)

و متفرق ساختیم ایشان را (قوم موسی را) دوازده قبیله ها گروه ها. و وحی فرستادیم به سوی موسی و قتیکه آب خواست از او قوم او اینکه بزن با چوب دست خود سنگ را؛ پس روان شد از آن دوازده چشمه؛ به یقین دانست هر مردم آب خور ایشان را. و سایه ساختیم بر ایشان ابر را و فرو فرستادیم بر ایشان من و سلوی؛ بخورید از پاکیزه ها آنچه روزی دادیم ما شما را. و نکردند ستم بر ما ولیکن بودند ایشان به نفس های خود می کردند ستم.

(160)

وَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَ كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ قُولُوا حِطَّةً وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَعْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ **(161)**

و وقتیکه گفته شد برای ایشان سکونت کنید در این شهر و بخورید از آن هر جا که می خواهید و بگوئید بیامرزش گناهان ما و در آنید دروازه را سجده کنان، بیامرزم ما برای شما گناهان شما را. به زودی اضافه می دهیم نیکو کاران را. **(161)**

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ **(162)**

پس عوض کردند آنانکه ستم کردند از ایشان سخن را غیر آنچه گفته شده بود برای ایشان پس فرستادیم ما بر ایشان عذاب از آسمان به سبب آنچه بودند ستم می کردند. **(162)**

وَ اسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِينَتُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ **(163)**

و بپرس از ایشان در باره شهری آنکه بود در ساحل بحر و قتیکه از حد می گذشتند در شنبه و قتیکه می آمد ایشان را ماهی های ایشان روز شنبه شان نمایان و روزی که نمی کردند استراحت نمی آمد ایشان را. همچنین آزمودیم ما ایشان را به سبب آنچه بودند قصداً سرکشی می کردند. **(163)**

وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۗ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۗ قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّايَ رَبُّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَنْفِقُونَ **(164)**

و وقتیکه گفت گروهی از ایشان: برای چه پند می دهید گروهی را که خدا نابود می کند ایشان را یا عذاب می کند ایشان را عذاب سختی؟ گفتند: برای معذرت به سوی پروردگار شما و تا بود ایشان پرهیزگاری کنند. **(164)**

فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ ۗ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ ۗ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۗ وَ كَانُوا يُفْسِقُونَ **(165)**

پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند به آن رهانیدیم ما آنان را که می کردند منع از بدی و گرفتیم ما آنان را که ستم کردند به عذاب سختی به سبب آنچه بودند قصداً سرکشی می کردند. **(165)**

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ **(166)**

پس چون سرکشی کردند از آنچه منع شدند از آن گفتیم ما برای ایشان شوید بوزینه گان خوار شده. (166)

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبَعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ صَلَّيْ وَ إِنَّهُ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ (167)

و وقتی که آگاه گردانید پروردگار تو که البته بفرستد بر ایشان تا روز قیامت کسی را که برساند به ایشان بدترین عذاب. هر آینه پروردگار تو البته زود عذاب کننده است؛ و هر آینه او البته آمرزنده، با رحم است. (167)

وَ قَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا صَلَّي مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ صَلَّي وَ بَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (168)

و پراکنده ساختیم ما ایشان را در زمین گروه، گروه؛ بعضی از ایشان شائسته کارانند و بعضی غیر آن؛ و آزمودیم ما ایشان را به نیکی ها و بدی ها تا بُوَد ایشان برگردند. (168)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَ يَقُولُونَ سَيُعَذِّبُنَا وَ إِنَّا يَأْتِيهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَمْ يُؤْخَذُ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا مَا فِيهِ صَلَّي وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ صَلَّي أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ (169)

پس جانشین شد از بعد ایشان جانشینان بد، وارث شدند کتاب را می گرفتند متاع این دنیای بی ارزش را و می گویند آمرزیده می شود برای ما و اگر بیاید ایشان را متاعی مانند آن می گرفتند آن را. آیا نشد گرفته بر ایشان عهد کتاب اینکه نگویند بر خدا مگر حق را و خوانده اند آنچه در آن است؟ و دنیای دیگر بهتر است برای آنانکه می کنند پرهیزگاری. آیا پس نمی فهمید؟ (169)

وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (170)

و آنانکه می کنند پابندی به کتاب و برپا داشتند نماز را، هر آینه ما نمی کنیم بیهوده و ضائع پاداش اصلاح کاران را. (170)

وَ إِذْ نَنفَخْنَا الْجِبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (171)

و وقتی که برداشتیم ما کوه را بالای ایشان مانند آنکه او سایبان است و گمان کردند اینکه آن کوه فرو می افتد بر ایشان، بگیری آنچه دادیم ما شما را به جدیت و یاد کنید آنچه در آن است تا بُوَد که شما پرهیزگاری کنید. (171)

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ صَلَّي قَالُوا بَلَىٰ ۖ شَهِدْنَا ۖ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (172)

و وقتی که گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان اولاده ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر خود ایشان، آیا نیستم پروردگار شما؟ گفتند: بلی؛ گواهی می دهیم؛ تا نگویند

روز قیامت هر آئینه ما بودیم از این بی خبران. (172)

أَوْ تَقُولُوا - إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْهُ بَعْدِهِمْ صلى أ فَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (173)

یا نگویید جز این نیست که شرک آورده بودند پدران ما از پیش ما و بودیم نسلی از بعد ایشان؛ آیا پس هلاک می کنی ما را به سبب آنچه کرد بد کاران؟ (173)

وَ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (174)

و این چنین بیان می کنیم آیت ها را و تا بود که ایشان بر گردند. (174)

وَ اْتَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي - اْتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (175)

و بخوان بر ایشان خبر آنکه دادیم او را (علم) آیت های خود را پس بیرون رفت از (علم) آن آیت ها پس تعقیب کرد او را شیطان پس شد از گمراهان. (175)

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَأَكْنَهْ - أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (176)

و اگر می خواستیم ما البته بلند می ساختیم او را به آن ولیکن دایم شد به سوی زمین و پیروی کرد خواهشات خود را. پس نمونه او مانند نمونه سگ است اگر بتازی بر او می افکند زبان از دهن بیرون یا بگذاری او را می افکند زبان از دهن بیرون. این است نمونه قومی که آنان به دروغ نسبت کردند آیت های ما را. پس بخوان واقعه ها را تا بود که ایشان تأمل کنند. (176)

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ أَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (177)

بد است نمونه قوم آنانکه به دروغ نسبت کردند آیت های ما را و خود شان بودند ستم می کردند. (177)

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي صلى وَ مَنْ يُضِلِلْ فَأُولَى - إِيَّاكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (178)

کسی را که می نماید هدایت خدا پس او است راه یافته؛ و کسی را که می کند گمراه پس آنها ایشانند زیان رسیده گان. (178)

وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ صلى لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا - أُولَى - إِيَّاكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (179)

و البته به یقین پراکنده ساختیم ما (در جهان) برای دوزخ بسیاری از جن ها و انسان ها را؛ برای ایشان است دل ها که نمی فهمند با آنها و برای ایشان است چشم ها که نمی بینند با آنها و برای ایشان است گوش ها که نمی شنوند با آنها. آنها مانند چهار پایان اند بلکه ایشان اند گمراه تر. آنها ایشان اند بی پروایان. (179)

وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا صلى وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي - أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ (180)

و برای خدا نام های نیک است پس بخوانید او را به آن نام ها؛ و بگذارید آنان را که تحریف می کنند در نام های او. به زودی جزا داده می شوند به آنچه که بودند می کردند. (180)

و مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ (181)

و از کسانی که آفریده ایم ما گروهی می نمایند رهنمائی به حق و به حق می کنند عدالت.

(181)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (182)

و آنانکه به دروغ نسبت کردند آیت های ما را به زودی معامله می کنیم ما با ایشان به

تدریج از آنجا که نمی دانند. (182)

وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (183)

و مهلت می دهم برای شان. هر آینه تدبیر من محکم است. (183)

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَّا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (184)

آیا نکردند تأمل؟ نیست به همنشین ایشان از دیوانگی. نیست او مگر بیم دهنده آشکارا.

(184)

أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَدِ

اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (185)

آیا ندیدند در پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه آفریده خدا از چیزی و اینکه شاید باشد به

یقین نزدیک مدت تعیین شده ایشان؟؛ پس به کدام سخن بعد آن (قرآن) ایمان می آورند؟

(185)

مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُمْ وَ يَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (186)

کسی را که می سازد گمراه خدا پس نیست هیچ راه نماینده برای او. و می گذارد ایشان را

در سرکشی ایشان سرگردان. (186)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَدُهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ

لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (187)

می پرسند ترا از قیامت که چه وقت است به وقوع پیوستن آن؛ بگو: جز این نیست که علم

آن نزد پروردگار من است؛ نمی کند پدید آن را برای وقت آن مگر او، سنگین شده است در

آسمان ها و زمین. نمی آید به شما مگر ناگهانی. می پرسند ترا گویا تو آگاهی از آن؛ بگو:

جز این نیست که علم آن نزد خدا است ولیکن بسیاری مردم نمی دانند. (187)

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ

مَا مَسَّنِيَ السُّوءُ ۗ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (188)

بگو نیستم مالک برای خود مفادی یا ضرری مگر آنچه خواسته است خدا. و اگر می بودم دانا غیب را البته بسیار می طلبیدم من از نیکی و نمی کرد تماس مرا بدی. نیستم من مگر بیم دهنده و مزده دهنده برای گروهی که می آورند ایمان. (188)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ۚ فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَهَمَرَّتْ بِهِ ۖ فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (189)

او است آنکه آفرید شما را از شخص واحد و ساخت از او همسرش را تا زندگی کند با وی؛ پس چون پوشید وی را بار گرفت بار سبکی پس ادامه داد به آن؛ پس چون سنگین شد هر دو دعا کردند خدا پرورگار شان را که البته اگر بدهی هر دوی ما را فرزندی نیکی البته باشیم از سپاس گذاران. (189)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا ۚ فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (190)

پس چون داد آن دو را فرزند نیک ساختند هر دو برای او شریکان در آنچه داد هر دوی شان را. پس بلند تر است خدا از آنچه می کنند شریک. (190)

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (191)

آیا می کنند شریک آنچه را که نمی آفریند چیزی را و ایشان آفریده می شوند؟ (191)

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (192)

و نمی توانند برای ایشان کومکی و نه خود ها را می کنند کومک. (192)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدْعَاؤُهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (193)

و اگر بخوانید ایشان را به سوی هدایت نمی کنند پیروی شما را. یک سان است بر شما اگر شما بخوانید ایشان را یا شما باشید خاموشان. (193)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ سِوَا فَاذْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (194)

هر آینه آنانی که می خوانید شما از غیر خدا بنده گانند مانند شما؛ پس بخوانید شما ایشان را پس باید بپذیرند (دعای شما را) برای شما اگر هستیید راست گویان؟ (194)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا ۚ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطْشُونَ بِهَا ۚ أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا ۚ أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۚ قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا ۚ فَلَا تُنظَرُونَ (195)

آیا برای ایشان پا ها است که می روند راه با آنها؟؛ آیا برای ایشان دست ها است که می گیرند با آنها؟؛ آیا برای ایشان چشم ها است که می بینند با آنها؟؛ آیا برای ایشان گوش ها است که می شنوند با آنها؟ بگو: بخوانید شما شریکان خود را باز تدبیر کنید برای من پس ندهید مهلت مرا. (195)

إِنَّ وِلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ ۚ سِوَا وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (196)

هر آئینه سرپرست من خدا است آنکه فرو فرستاد کتاب را؛ و او می کند سرپرستی نیکو کاران را. (196)

وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (197)
و آنانکه می خوانید شما از غیر او نمی توانند کمک شما را و نه خود ها را می کنند کمک. (192)

وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۚ وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ (198)
و اگر بخوانید ایشان را به سوی هدایت نمی شنوند؛ و می بینی ایشان را که می نگرند به سوی تو و ایشان نمی بینند. (198)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (199)
بگیر گذشت را و بفرما به رفتار و کردار شائسته و رو گردان از نادانان. (199)
وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (200)
و اگر می رسد تذکر بد تو را از شیطان تذکر بدی پس پناه ببر به خدا. هر آئینه او است شنوا، دانا. (200)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَٰئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (201)
هر آئینه آنانکه پرهیزگاری می کنند و قتیکه برسد ایشان را وسوسه از شیطان یاد آوری می کنند (خدا را) پس آن وقت ایشان می بینند. (201)

وَ إِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُفْصِرُونَ (202)
و برادران ایشان می کنند کمک ایشان را در سرکشی باز نمی کنند کوتاهی. (202)
وَ إِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَٰيَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْنَاهَا ۗ فَلَوْلَا آتَيْنَاهَا مَا يُوحَىٰ ۖ إِنْ كُنْتُمْ إِذِي مِنْ رَبِّي ۖ هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (203)

و قتیکه نه آوردی آیتی ایشان را گفتند: چرا نمی گزینی آن را؟ بگو جز این نیست که من پیروی می کنم آنچه را که می شود وحی به سوی من از جانب پروردگار من. این روشنائی ها است از جانب پروردگار شما و هدایت و مهربانی برای گروهی که می آورند ایمان. (203)

وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ۚ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (204)
و قتیکه خوانده شود قرآن را پس گوش کنید به آن و خاموش باشید تا بود شما مهربانی کرده شوید. (204)

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْعَافِينَ (205)

و یاد کن پروردگار خود را در دل خود به زاری و ترس و پائین تر از آواز بلند از سخن

در صبح گاهان و شب گاهان و نباش از بی پروایان. (205)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ | (206)

هر آینه آنانکه نزد پروردگار تو اند نمی کنند سرکشی از عبادت او و می کنند یاد او را به

پاکی و برای او می کنند سجده. | (206)